ادامه از صفحه اول

بن‌بست عربستان از ۲ دیدگاه آمریکایی

به عبارت دیگر هر دو رنج آن‌گونه محدودیت‌های جزم‌اندیشانه را درک می‌کنند. به‌طورکه در کتاب آمده است، جامعه عربستان که در ۲۰ سال قبل ۸۰درصد روستایی و قبیله‌نشین بود، اکنون معکوس شده یعنی ۸۰درصد شهرنشین و ۲۰درصد روستایی است؛ البته شهری‌شدگان تعلقات و خصوصیات قبیله‌ای خودشان را حفظ کرده‌اند. این تجربه در ایران ۳۰سال زودتر رخ داد و جامعه‌ای با اکثریت مطلق روستایی تبدیل به جامعه‌ای با اکثریت مطلق شهرنشین شد. در ایران این تغییر ساختار جمعیتی در شهرها و تشدید دوگانگی خصومت‌آفرین فرهنگی که فرهنگ حاکم را از سوی اکثریت سنت‌گرا به بیگانگی و غرب‌زدگی متهم می‌کرد، در پدیداری و بیوزری انقلاب نقش بسیار مهمی داشت. این دگرگونی ساختار شهرنشینی در عربستان در مقایسه با ۳۰سال پیش بسیار چشمگیر است. نویسنده به‌طور مشروح به تحولات تاریخی منجر به سلطه جزم‌اندیشانه وهابی و تاثیر آن بر زندگی روزمره در جامعه‌ای پرداخته که دستیابی به تلفن‌های هوشمند و تانکردن‌های شبکه‌های جهانی در آن روزبه‌روز بیشتر می‌شود. با این تذکر که در کنار نخبگان و نوانديشان پرسشگر و اندک و پراکنده، اکثریتی شهری پدید می‌آید که ضمن اعتقاد راسخ به وهابیت و محدودیت‌های شدید زنان، درباره خاندان حاکم و مشروعیت رفتاری آنان چون‌وچرا می‌کنند. جامعه‌ای که بسیاری از تصمیم‌های آن را «شیخان و مفتیان کهن‌سالدی می‌گیرند که پیشوای نابینایشان اعتقاد به مسطح‌بودن زمین داشت. مسئله فقط این نیست که زنان بدون مردانشان حق بیرون‌آمدن از خانه را ندارند یا سینما و کنسرت و تئاترفتن و تنفس ابزار موسیقی ممنوع است و تلویزیون نیز فقط برای برنامه‌های خاص و اموری جدید است، بلکه انحراف دیدگاه با همان اسلام سلفی و آغازین است که برپایه منع تبعیض، اعتبار و کسترش یافت. به مثالی از صفحه ۱۱۸ بسنده می‌کنم. درباره زنی به نام فاطمه منصور که با اجازه پدر با مردی ازدواج می‌کند و صاحب دو فرزند پسر و دختر می‌شود. برادران ناتنی او پس از مرگ پدر به دادگاه شکایت می‌کنند که چون خواهرشان با مردی از قبیله بیستر از قبیله آنان ازدواج کرده و این حقیقت را از پدرشان که اجازه ازدواج داده بود، پنهان کرده بود. تقاضای ابطال ازدواج می‌کنند. قاضی ازدواج آنان را باطل می‌کند. فاطمه که اکنون به زناکاری متهم بود و در صورت بازگشت به خانه، در معرض قتل به‌وسیله برادران ناتنی قرار داشت، در زندان می‌ماند. در آن زمان شاهزاده خانم عادله، دختر ملک عبدالله از او حمایت می‌کند و موفق به شکست رای قاضی وهابی و بازگشت زن نزد شوهرش می‌شود. این وضع در شرایطی است که جوانان شلوار جین و تی‌شرت را به دشدانسه ترجیح می‌دهند و پلیس گشت مذهبی با شدانسه‌های کوتاه و باتوم حریف آنان نمی‌شود. این جوانان در شبانه‌های که سینما و کنسرت‌رفتن و حتی کوش‌دادن به موسیقی ممنوع است، فتواهای شیوخ را به طور گسترده نادیده می‌گیرند و به فرفسرتده می‌گیرند. اما آن‌گونه که نویسنده پژوهشگر به درستی می‌گوید، این تغییر ساختار جمعیتی در عربستان فقط در اطلاعیه‌های مردم را به شرکت در انتخابات دعوت کند! قبلا هم شنیده شده بود میان دو اعضای جامعه مدرسین حوزه علمیه هم هم اختلافاتی وجود دارد. زیرا دربسته درحالی که برخی از اثر دولت حسن روحانی رضایت کامل دارند و مانند آیت‌الله مکارم شیرازی اعلام می‌کنند که روحانی رئیس‌جمهور خوبی است، برخی از آنان نامه شکایت از شرایط به حسن روحانی می‌نویسند. همه اینها در شرایطی است که اعضای جامعه مدرسین بارها طعم تلخ این چندستگی در درون خود را چشیده‌اند. مانند انتخابات ریاست‌جمهوری ۹۲ که برخی از اعضای این جامعه با صدور بیانیه‌ای از نامزدی ولایتی حمایت کردند و حتی بیانیه‌ای با امضای آیت‌الله یزدی صادر شد، ولی برخی از اعضای جامعه مدرسین به سرعت این حمایت را تکذیب کردند.

فهرست ۳۰ نفره اصولگرایانه!

همین چندی قبل، کمال سجادی، سخنگوی جبهه پیروان خط امام و رهبری، از یک فهرست ۳۰نفره برای انتخابات ۹۶ خبر داد و تاکید کرد از این فهرست ۳۰نفره که در دست بررسی است، فقط باید روی یک نفر به اجماع رسید و ممکن است حتی آن یک نفر روحانی باشد و این تنها سجادی نبود، بلکه محدرضا باهنر، دبیرکل جبهه پیروان هم که یک سر رهبری این جریان را برعهده دارد، وجود فهرست ۳۰نفره را رد نکرد و احتمال داد اصولگرایان در انتخابات پیش‌رو با اما و اگرهایی پشت روحانی قرار بگیرند. به این ترتیب، اینکه بسیاری جریار از اصولگرایان هم معتقدند حسن روحانی ظرفیت آن را دارد که نامزد اصولگرایان در سال ۹۶ باشد، خود حکایت از شرایط ناماسب اصولگرایان در رسیدن به نامزدی از جنس خودشان دارد. ضمن اینکه همین باور مهر تاییدی است بر اختلاف با دولایسان.

در فاصله باقی‌مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم برخی از چهره‌ها و بزرگان اصولگرا تاکید دارند که باید وحدت خود را حفظ کنند و درپی ایجاد ائتلاف سراسری باشند. این البته شعاری است که همواره داده شده است و بی‌نتیجه مانده است. این‌گونه است که شنیده می‌شود اصولگرایان به دنبال معرفی یک نامزد برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم هستند

سازجدای مؤتلفه

در دیگر سو، خبر می‌رسد که مؤتلفه‌ای‌ها هم در تلاش برای معرفی یک نامزد واحد در این دور از انتخابات هستند و اگرچه هنوز نام آن نامزد مشخص نشده است، برخی از غفوری فرد با میرسلیم به‌عنوان نامزد احتمالی نام می‌برند و اینگونه سیاست‌مداران بازاری هم، گویی ساز خود را برای انتخابات ۹۶ جدای از دیگر هم‌جناحی‌های خود کوک کرده‌اند. این سخنان به‌تازگی از سوای اعدالله بادامچیان، عضو شاخص این حزب باسابقه، تایید شده و او گفته امیدوار است نامزد حزبی آنان، نامزد واحد جریان اصولگرا باشد که با توجه به اینکه این‌گونه که در میان اصولگرایان مطرح است، این اتفاق بسیار بعید به نظر می‌رسد.

دولایسان هم کاندیدا دارند

تازگی‌ها صادق محلوجی که زمانی یار صمیمی و وزیر محمود احمدی‌نژاد بود، درباره نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم اعلام کرد، «درحال‌حاضر فرد یا شخصیت هست که از نظر ارزش‌های اصولگرایی و انقلابی نمره بالایی می‌آورد و امکان رای‌آوری و اجماع روی او نیز وجود دارد؛ سراغ او خواهیم رفت و نتیجه هم خواهیم گرفت و در این میان حتی اگر عده‌ای بدون هماهنگی با دیگران خود را محور قرار داده و ادعای دعوت از دیگران برای کار مشترک داشته باشند، مسلما وحدتی شکل نمی‌گیرد یا عده‌ای دیگر اگر از قبل روی نامزدی به قطعیت رسیده باشند و بخواهند با سازوکار دلخواه خودشان، حتی تحت عنوان ائتلاف و وحدت، آن را به دیگران تحمیل کنند، مطمئنا نتیجه لازم را نخواهند گرفت». آنان باز هم برای ائتلاف در میان اصولگرایان خط‌وننشان کشیدند.

تابلوی ورود ممنوع برای محمود احمدی‌نژاد

اعضای جبهه پایداری در حالی خبر از داشتن نامزد مورد نظر خود داده‌اند که یک هفته‌ای می‌شود خبر رسیده، در سطوح بالای نظام نظر مساعدی به حضور احمدی‌نژاد در رقابت‌های انتخاباتی سال ۹۶ وجود ندارد. این روزها، اخباری هم از «نهی احمدی‌نژاد» برای نامزدی دهان‌به‌دهان می‌چرخد که در نوع خود جالب است و برخی آن را تلاش اصولگرایان سنتی برای حذف رئیس دولت‌های نهم و دهم تمام نداده‌اند. آنان می‌گویند اگر احمدی‌نژاد به صحنه بیاید، بهترین فرصت خواهد بود تا روحانی و سایر اصلاح‌طلبانی که در مناظره‌های سیاسی ایام انتخابات شرکت می‌کنند، ناگفته‌های بیشتری از کارنامه غبیار هشت سال حاکمیت اصولگرایان بر کشور ارائه دهند و این به معنی غنوان مطلوب اصولگرایان نیست. چندی قبل، محمد ایمانی نویسنده سرمقاله‌های کیهان، در کانال تلگرامی خود نوشت «اگر کسی درخواست وقت کرد و محضر مولایش رفت و نهی شد... از منظر اهل ولایت در معرض آزمون رفته است؟

مگر دین باسخ‌گوی مسائل جامعه نیست. مگر دین درباره مولال خداوند و رسول و نمی‌تواند نظر دهد، آیا فقط باید برای ابواب ایجاد فقهی نظر دهد.

چنین است که سال‌هاست نفت را از اسراف فراوان می‌سوزانیم و بیا فروش آن، ظواهر جامعه را رنگ و روغن می‌زنیم. از هر دیدگاه که نگاه کنید، برخی از مناظره و ناممغول مشاهده می‌کنیم و از آن‌جمله است سوخت فراوانی که صرف تولید برق می‌شود و دلارهای فراوانی که برای بیاد سرمایه‌گذاری می‌کنیم. بی‌آنکه مصرف آن را کنترل کنیم. اگر کسی حداقل نیاز انسانی مصرف دارد، باید با کمترین بها رو‌به‌رو شود؛ اما اگر کسی میل دارد هر آن‌گونه که دوست دارد، مصرف کند، باید هزینه‌هایش را آن را تحمل کند. هزینه پرمصرف‌ها باید آن‌قدر شود که نتوانند پرداخت کنند و ناچار به صرفه‌جویی شوند و برق گرانبها صرف تولید شود. امروز اگر همه کارخانه‌های ما با ظرفیت بهینه کار می‌کرد، بقیه خانوادگی بیش‌تر داشتیم؛ اما دولت همواره می‌خواهد با سیلی، صورت خود را سرخ نگه دارد.

درباره آب، وضع بسیار فاجعه بارتر است. آب را که از خون قرآن کریم آن‌همه پرارزش است که «می‌فرماید «و جعلنا من الماء کل شی حی»، هدر می‌دهیم و به جای آنکه به محدودیت آب و نجات سرزمین ایران بیندیشیم، حتی مصوبات مجلس را یعنی وظایفی که برعهده وزارت کشاورزی و وزارت نیرو است، اجرا نمی‌کنیم و بعد وقتی مثلا می‌خواهیم فرهنگ‌سازی کنیم، می‌رویم سراغ آب مسافردرن و فرصوقدیمی در آنکه البته صحیح است ولی بسیار ناجیا.

تفکر لیبرالی انحرافی درباره آب هم مصداق پیدا می‌کند. به جای آنکه واقعیت را بیابیم و حساب واقعیت بودن‌کردیم آب کنیم، با تفکر که برعهده وزارت کشاورزی و وزارت نیرو است، فرهنگ‌سازی، می‌خواهیم فرهنگ‌سازی کنیم. این‌گونه مدیریت بیشتر، به فکر آب‌آوردن از دریای عمان و دریاچه خزر هستیم و طبعا هم نمی‌توانیم.

این لفظ فرهنگ‌سازی هم بلایی است که بر ما نازل شده و چه بد از آن استفاده می‌کنیم. به جای اقداماتی که وظیفه حاکمیت است، با این لفاظی‌ها شانه از عواقب اقدامات خالی می‌کنیم و آینده را به حال خود رها می‌کنیم و البته می‌دانیم در سراشیبی سقوط و در نقطه اضمحلال، ما فاسد نخواهیم بود و به گردن دیگران می‌افتد.

اگر وظیفه، خدمت به مردم است، به طریق اولی، وظیفه‌مان خدمت به فرزندان و نوادگان مردم هم هست و باید میرانی از خود به جای بگذاریم تا نسل‌های آتی به امروز ما افتخار کنند و البته این هزینه ندارد.

در نزدیکی منزل ما چهارراهی است که در آن پلیس راهنمایی گاهی چراغ‌های راهنمایی را زرد چشمک‌زن می‌کند و گاهی قرمز و سبز نوبتی. هم گاه چراغ‌ها سبز و قرمز می‌شوند، مردم تکلیف‌شان را می‌دانند و به‌هرحال از آن تبعیت می‌کنند

«چشم‌ها را باید شست، جور دیگر باید دید».

مگر بیامبر از شکستن شاخه درخت مردم را نهی نکرد، مگر امام رض(ع) ضامن آهو نشد. مگر مولا علی(ع) به دست خود هزاران نخل را غرس نکرد؟ مگر از المه معصوم آن همه خبر و حدیث در اوده‌نکردن آب، آزارنساندن به حیوانات، رعایت حق حیوانات بارکش و غیره نقل نشده که در جامعه ما به‌طور سنتی آن‌همه خلاف صورت گرفته است؟

مگر انقال طبق آیات صریح قرآن کریم متعلق به خدا و رسول خدا نیست؟ آیا از این دریچه به موضوع دانشه‌های خداداد‌مان نگاه کنیم، برخود نمی‌لرزیم؟

اروپای بعد از رنسانس و با حکومت بورژنیوییم و حکومت فرهنگ لیبرالیسم اقتصادی و احساس ضرورت برای شتاب در توسعه صنعت به عنوان ابزار توسعه، از هر آنچه در دسترس بود، استفاده کرد تا آنکه به نوعی توسعه دست‌یافته‌ای شد و تنجه آن، آلودگی آب‌ها، تخریب جنگل‌ها و مصرف معادن بود، اما در قرن بیستم به خود آمد و آگاه شد که تخریب این دانشه‌های خداداد‌می به نابودی جامعه می‌انجامد و در صدد اصلاح آن برآمد و اینک نیک می‌دانیم که ودخانه‌هایی که به رنگ سبز بود و از آلودگی آن ماهیان می‌مردند، امروز چون اشک چشم صاف شده و ماهی‌ها در آن زیست می‌کنند. جنگل‌ها به زندگی شاداب بازگشته و هوایی‌ها را با آن‌همه خودرو و کارخانه، لطیف و فارغ از آلودگی شده است و این فقط در جایی ایجاد اتلاف سراسری باشند. این البته شعاری است که همواره داده شده و بی‌نتیجه مانده است. این‌گونه است که شنیده می‌شود اصولگرایان به دنبال دستیابی به یک ائتلاف هستند که خروجی آن معرفی یک نامزد برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم باشد. اما درحالی اصولگرایان در بی ائتلاف هستند که شرایط مساعدی ندارند و سازهای ناهمگونی از اردوگاهشان به گوش می‌رسد.

بزرگان اصولگرا در تلاش برای ایفای نقش

درحالی‌که به نظر می‌رسد در نبود مرحومان عسگراولادی و آیت‌الله مهدوی‌کنی، ریش‌سفیدی اصولگرایان باید برعهده ناطق‌نوری باشد، او هم تمایلی برای شرکت در جلسات جامعه روحانیت مبارز ندارد و همچون هاشمی و روحانی از حضور درجلسه‌های این تشکل روحانی- سیاسی امتناع می‌کند. این درحالی است که کمال‌الدین سجادی، عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری، با اشاره به راهکار ناکام به‌ضلعی اصولگرایان برای انتخابات گذشته، توضیح داده است که می‌خواهد در انتخابات ۹۶ بر ترکیب دایره‌ای که محور آن جامعه روحانیت مبارز خواهد بود، متمرکز شود و به این ترتیب است که بیرد از اجماع اصولگرایان برداشته می‌شود و این کفته نشان از این دارد که شاگردان آیت‌الله مصباح‌یزدی قرار نیست نقش خاصی ایفا کنند که اکنون به زناکاری متهم بود و در صورت بازگشت به خانه، در معرض قتل به‌وسیله برادران ناتنی قرار داشت، در زندان می‌ماند. در آن زمان شاهزاده خانم عادله، دختر ملک عبدالله از او حمایت می‌کند و موفق به شکست رای قاضی وهابی و بازگشت زن نزد شوهرش می‌شود. این وضع در شرایطی است که جوانان شلوار جین و تی‌شرت را به دشدانسه ترجیح می‌دهند و پلیس گشت مذهبی با دشدانسه‌های کوتاه و باتوم حریف آنان نمی‌شود. این جوانان در شبانه‌های که سینما و کنسرت‌رفتن و حتی کوش‌دادن به موسیقی ممنوع است، فتواهای شیوخ را به طور گسترده نادیده می‌گیرند و به فرفسرتده می‌گیرند. اما آن‌گونه که نویسنده پژوهشگر به درستی می‌گوید، این تغییر ساختار جمعیتی در عربستان فقط در اطلاعیه‌های مردم را به شرکت در انتخابات

نفیسه زارع‌کهن

سال به نیمه رسید و باز همچون سال قبل انتخاباتی دیگر در پیش است؛ انتخاباتی که از حیث اهمیت، چیزی کم از انتخاباتی ندارد که طی شد و اغلب افراد حاضر در فهرست امید اصلاح‌طلبان به مجلس راه یافتند. چراکه اصلاح‌طلبان در بی تثبیت حضور حسن روحانی در جایگاه ریاست‌جمهوری برای جهار‌سالگه دوم هستند. آنان این نکته را بارها به روشنی بیان کرده‌اند که گزینه‌ای جز رئیس‌جمهور دولت یازدهم ندارند. در این میان اما، اصولگرایان که دنبال به‌دست‌آوردن جایگاه ازدست‌رفته هستند. در این میان اما، اصولگرایان شرایط متفاوت‌تری را پیش رو دارند. زیرا چند سالی هست که ناامنشان رویکردان شده و همین سبب نگرانی و احساس خطر در این جریان شده است. ازهمین‌رو، طیف خاص این جریان عزم را جزم کرده است تا حضور حسن روحانی در انتخابات ریاست‌جمهوری را یک‌دوره‌ای کند و در این راه از هیچ کوششی دریغ نورزید است. اما این یک سوی ماجراست. زیرا داستان طرف دیگری هم دارد و آن مرادوات درونی اصولگرایان با هم و البته شیوه و منش رفتاری آنان است. چنین است که در فاصله باقی‌مانده تا انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم، برخی از چهره‌ها و بزرگان اصولگرا تاکید دارند که باید وحدت خود را حفظ کنند و درپی ایجاد ائتلاف سراسری باشند. این البته شعاری است که همواره داده شده و بی‌نتیجه مانده است. این‌گونه است که شنیده می‌شود اصولگرایان به دنبال دستیابی به یک ائتلاف هستند که خروجی آن معرفی یک نامزد برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم باشد. اما درحالی اصولگرایان در بی ائتلاف هستند که شرایط مساعدی ندارند و سازهای ناهمگونی از اردوگاهشان به گوش می‌رسد.

بزرگان اصولگرا در تلاش برای ایفای نقش

درحالی‌که به نظر می‌رسد در نبود مرحومان عسگراولادی و آیت‌الله مهدوی‌کنی، ریش‌سفیدی اصولگرایان باید برعهده ناطق‌نوری باشد، او هم تمایلی برای شرکت در جلسات جامعه روحانیت مبارز ندارد و همچون هاشمی و روحانی از حضور درجلسه‌های این تشکل روحانی- سیاسی امتناع می‌کند. این درحالی است که کمال‌الدین سجادی، عضو جبهه پیروان خط امام و رهبری، با اشاره به راهکار ناکام به‌ضلعی اصولگرایان برای انتخابات گذشته، توضیح داده است که می‌خواهد در انتخابات ۹۶ بر ترکیب دایره‌ای که محور آن جامعه روحانیت مبارز خواهد بود، متمرکز شود و به این ترتیب است که بیرد از اجماع اصولگرایان برداشته می‌شود و این کفته نشان از این دارد که شاگردان آیت‌الله مصباح‌یزدی قرار نیست نقش خاصی ایفا کنند که اکنون به زناکاری متهم بود و در صورت بازگشت به خانه، در معرض قتل به‌وسیله برادران ناتنی قرار داشت، در زندان می‌ماند. در آن زمان شاهزاده خانم عادله، دختر ملک عبدالله از او حمایت می‌کند و موفق به شکست رای قاضی وهابی و بازگشت زن نزد شوهرش می‌شود. این وضع در شرایطی است که جوانان شلوار جین و تی‌شرت را به دشدانسه ترجیح می‌دهند و پلیس گشت مذهبی با دشدانسه‌های کوتاه و باتوم حریف آنان نمی‌شود. این جوانان در شبانه‌های که سینما و کنسرت‌رفتن و حتی کوش‌دادن به موسیقی ممنوع است، فتواهای شیوخ را به طور گسترده نادیده می‌گیرند و به فرفسرتده می‌گیرند. اما آن‌گونه که نویسنده پژوهشگر به درستی می‌گوید، این تغییر ساختار جمعیتی در عربستان فقط در اطلاعیه‌های مردم را به شرکت در انتخابات

برخی حزب‌های اصولگرا تاکید دارند که باید وحدت خود را حفظ کنند و درپی ایجاد ائتلاف سراسری باشند. این البته شعاری است که همواره داده شده است و بی‌نتیجه مانده است. این‌گونه است که شنیده می‌شود اصولگرایان به دنبال معرفی یک نامزد برای انتخابات ریاست‌جمهوری دوازدهم هستند

شرایط جریان اصولگرا، چند ماه مانده به انتخابات ریاست‌جمهوری همچنان نامشخص است

کلاف سردرگم در جناح اصولگرا

عکس: سیما

رحمز فرزانه انقلاب در ملاقات با دولتمردان به‌درستی گفتند کفتمان جمهوری اسلامی «خدمت به مردم است» و اینجاست که دولت و مجلس باید برنامه‌ها را به‌درستی بیابند و تعریف درستی از آن داشته باشند. نخست اینکه آیا خدمت به مردم به معنای آزادگذاشتن مردم است تا هرکه هرچه خواست بکند؟ آیا این خدمت منحصر به افراد زده می‌شود یا آنکه نسل‌های آتی را دربرگیرد

نشست خبری خود به آن مهر تأیید زد، اما اعلام کرد قرار نبود رسانه‌ای شود! پس از این بود که سکوتی سنگین جبهه حامیان احمدی‌نژاد را فرا گرفت. اما پس از چندی بهمن شریف‌زاده در مصاحبه‌ای که با روزنامه فرهیختگان اعلام کرد: «آنچه درخور توجه است، باید از طریق دفتر ایشان مطرح شود. تا وقتی دفتر رهبری رسما درباره این موضوع صحبت نکند، اصلا صحیح نیست کسی به او فکر کند. هرکس تکلیف خود را براساس حجت‌های روشن متوجه می‌شود تا وقتی حجت روشن و شفافی نباشد، تکلیفی هم تشخیص داده نمی‌شود. نکته دوم در مورد این اخبار این است که احمدی‌نژاد اساسا عزم شرکت در انتخابات نداشته و ندارد.

وی در برابر این پرسش که اگر احمدی‌نژاد عزم انتخابات ندارد، علت انتشار این اخبار که از کسانی همچون چهره‌های نزدیک به او مثل عباس امیرفرح یا در بادداشت مهدی قضایلی بیان می‌شود، چیست؟ خاطرنشان کرد: «آنچه این اخبار نشانه رفته، مطالبه مردمی است. مردم از احمدی‌نژاد بارها خواسته‌اند که وارد عرصه انتخابات شود و او بارها گفته است که عزمی برای حضور ندارد. درنهایت، این اخبار برای مردم تکلیف‌ساز نیست. مردم هم همچنان بر سر مطالبه خود هستند. اینها می‌خواهند مردم دیگر حضور احمدی‌نژاد را طلب نکنند». این نقل‌قول‌ها در ذهن احمدی‌نژاد اثری نمی‌گذارد. بحث سر این است که این حکایات و نقل‌قول‌ها که توسط جبهه احمدی‌نژاد است یا توصیه‌های غیرمستقیم به مردم؟ بارها تاکید شده است که درباره رهبر معظم انقلاب هیچ نقل‌قولی جز زمانی که از سوی دفتر ایشان منتشر شود، قابل قبول نیست و اساسا نباید کلامی به ایشان منتسب شود. اصلا شایسته نیست به این اقوال اهمیت بدهید و براساس شنیده‌ها سفرهای ایشان ادامه پیدا خواهد کرد. اما از دیگر سو، رسایی، نماینده سابق تهران که زمانی مدافع سرسخت احمدی‌نژاد بود و الان هم جزء تئوریسین‌های یک‌دوره‌ای‌کردن حضور حسن روحانی در مقام ریاست‌جمهوری است، به نوعی نشده‌های ایمانی را تایید کرده و در پاسخ به این سؤال که آیا رهبر انقلاب با احمدی‌نژاد جلسه خصوصی داشته و محتوای آن چه بوده، گفته: «آنچه می‌دانم این است که آقای احمدی‌نژاد نظر مشورتی خواسته و ایشان هم پاسخ داده‌اند و آن‌ها‌ئی درخواست‌کننده که از عمل می‌کند، چون اگر احمدی‌نژاد نمی‌خواست به آن عمل کند چرا نظر خواسته است؟»

اما اگرچه حضور احمدی‌نژاد مخالفان بسیاری همچون سیدرضا اکرمی و بسیاری دیگر از اصولگرایان دارد و همگی به وی هشدار داده‌اند که تایید صلاحیت نمی‌شود، حضور او در انتخابات بیش رو موافقانی مثل روح‌الله حسینیان دارد که در جواب به ضرورت حضور وی گفته است: «درحال‌حاضر تعداد زیادی از مردم خواستار حضور احمدی‌نژاد در انتخابات ریاست‌جمهوری هستند و قطعا وی باید بیاید و از خودش در مقابل اتهاماتی که در طول سه سال گذشته به وی زده شده و از مظلومیتش دفاع کند».

بالین‌حال، اما مشخص‌کردن خط قرمز برای احمدی‌نژاد نمی‌تواند تعیین تکلیف کند؛ چراکه همین چند سال پیش مطمئن‌ترین اصولگرا و یک سرمایه‌گذار اصولگرا بود، اما اعلام کرد قرار نبود رسانه‌ای شود! پس از این بود که سکوتی سنگین جبهه حامیان احمدی‌نژاد را فرا گرفت. اما پس از چندی بهمن شریف‌زاده در مصاحبه‌ای که با روزنامه فرهیختگان اعلام کرد: «آنچه درخور توجه است، باید از طریق دفتر ایشان مطرح شود. تا وقتی دفتر رهبری رسما درباره این موضوع صحبت نکند، اصلا صحیح نیست کسی به او فکر کند. هرکس تکلیف خود را براساس حجت‌های روشن متوجه می‌شود تا وقتی حجت روشن و شفافی نباشد، تکلیفی هم تشخیص داده نمی‌شود. نکته دوم در مورد این اخبار این است که احمدی‌نژاد اساسا عزم شرکت در انتخابات نداشته و ندارد.

وی در برابر این پرسش که اگر احمدی‌نژاد عزم انتخابات ندارد، علت انتشار این اخبار که از کسانی همچون چهره‌های نزدیک به او مثل عباس امیرفرح یا در بادداشت مهدی قضایلی بیان می‌شود، چیست؟ خاطرنشان کرد: «آنچه این اخبار نشانه رفته، مطالبه مردمی است. مردم از احمدی‌نژاد بارها خواسته‌اند که وارد عرصه انتخابات شود و او بارها گفته است که عزمی برای حضور ندارد. درنهایت، این اخبار برای مردم تکلیف‌ساز نیست. مردم هم همچنان بر سر مطالبه خود هستند. اینها می‌خواهند مردم دیگر حضور احمدی‌نژاد را طلب نکنند». این نقل‌قول‌ها در ذهن احمدی‌نژاد اثری نمی‌گذارد. بحث سر این است که این حکایات و نقل‌قول‌ها که توسط جبهه احمدی‌نژاد است یا توصیه‌های غیرمستقیم به مردم؟ بارها تاکید شده است که درباره رهبر معظم انقلاب هیچ نقل‌قولی جز زمانی که از سوی دفتر ایشان منتشر شود، قابل قبول نیست و اساسا نباید کلامی به ایشان منتسب شود. اصلا شایسته نیست به این اقوال اهمیت بدهید و براساس شنیده‌ها سفرهای ایشان ادامه پیدا خواهد

اصولگرایان شرایط مناسبی ندارند
بعد از نامایی در دو انتخابات گذشته، اکنون به کلافی سردرگم تبدیل شده‌اند و اگرچه جناح معتدل آنها به حمایت از حسن روحانی به عنوان یکی از گزینه‌های پیش‌رو می‌اندیشد ولی اختلاف نظر و ناهماهنگی میان نظرات در این طیف سیاسی موج می‌زند

نبود حرف مشترک در جامعه مدرسین و جامعه روحانیت از یک‌سو، نبود ریش‌سفید مقبول برای تمامی طیف‌های اصولگرایی از سوی دیگر و تندروهای اصولگرا و محمود احمدی‌نژاد از طرف دیگر همه‌وهمه سبب شده این کلاف روزبه‌روز پیچیده‌تر شود و به نظر می‌رسد راه‌حل‌های مانند هجمه به دولت، تخریب رقیب و سیاه‌نمایی و حمله به برجسام و... هیچ کمکی به آنها نخواهد کرد. از طرف دیگر برخی از اعضای این طیف با تاکید بر معرفی کاندیدای شاخته‌شده‌های مانند احمدی‌نژاد یا کاندیدای جدید و ناشناس بازهم مثل احمدی‌نژاد در سال ۸۴، تلاش بر ارائه راه‌حل برای گشودن این گره دارند. معرفی کاندیدای شاخته‌شده که تاکنون دیگری درد این طیف سیاسی نبوده و در انتخابات مجلس هم این مسئله خود را نشان داد؛ بنابراین می‌ماند گزینه زمینه رفاه‌پذیری کالاهای ما (کالاهای داخلی و کالاهایی که برای واردات می‌آیند) بهتر فراهم شده است. اکنون زمینه سرمایه‌گذاری که از دولت نهم و دهم در ادهان جامعه ماند، بعید است جواب‌گو باشد؛ بنابراین به نظر می‌رسد باید اصولگرایان جدید و قدیم دنبال راه‌حلی تازه باشند. راه‌حلی که بتواند گره از کار فروبسته‌شان بگشاید. شاید آن راه‌حل، سکوت انتخاباتی با حمایت از حسن روحانی، عضو شورای مرکز جامعه روحانیت مبارز باشد. به نظر می‌رسد آن این دوره از انتخابات، راه‌حلی بهتر از این نخواهند داشت.

نجات سرزمین ایران با همان شجاعت برجام

سیدمصطفی هاشمی‌طبا
معاون دولت‌های سازندگی و اصلاحات

هرچند در فقه اهل تسنن، مفهوم گسترده انقلال معنایی وجود ندارد، برعکس در فقه امامیه انقلال معنایی بسیار گسترده‌تری از غانم جنگی و شبیه آن یافته و بر آنچه خداوند در زمین برای عموم به ودیعه گذاشته است، اطلاق می‌شود. از این نظر، اراضی موات، جنگل‌ها، سواحل، معادن زیرزمینی از جمله نفت و گاز و غیره ثروتی است متعلق به خداوند و رسول خداوند(ص).

فتوای علمای شیعه را می‌توان یک‌جا از مترقی‌ترین و جامع‌ترین فتاوی تاریخ اسلام دانست، زیرا از هرگونه زیاده‌خواهی، اکتساب غیرحق و نابرابری مادی و اقتصادی جلوگیری شده است، ولی رأه را برای سوءاستفاده سودجویان می‌بندد.

از سویی، تعلق یک مال به خداوند و پیامبر اعظم خودمنیز را وا می‌دارد که از آن حفاظت و حراست کنند. در مصرف آن تقوا به خرج داده و آن را بیهوده مصرف نکنند، آن را یاگیزه نگه داشته و در نگهبانی از آن کوتا باشند.

شاید، عمق فتوای علمای شیعه هنوز روشن نشده باشد و شاید آن‌ها که تاکید بر فتوای حق دقیقا آگاه نبوده و از محاسن آن مستفیض نشده باشند.

ماحسب حضرت خاتم بیدید به پیامبر و اهل بیت او (ص) صلوات می‌فرستیم، پس به طریق اولی باید به مال‌الله احترام روا داریم و آنچه را ممکن است به آن ابیم.

خوب است بیاییم یک‌بار انفال را بشماریم و ببینیم در جامعه ما با انفال - مال‌الله- چه کرده‌ایم؟ آنچه کرده‌ایم به مال‌الله بازمی‌گردد. نخست به عموم مردم که مستقیما با این انفال در ارتباط هستند و هرکس به فراخور نیاز خود می‌خواهد از آنها بهره‌برداری کند و صدالبته نیازی از این عموم مردمانی هستند که به حد نیاز خود - بلکه به حرص و آز، انفال را برای توانمندشدن و قدرتمندشدن خود مصرف می‌کنند. حساب عمومی به نیاز دارند و نمی‌دانند. با آنان که شهوت و حرص مال دارند و می‌دانند جداست.

دوم، گروهی از مدیران جامعه در سطوح مختلف هستند که با مدیریتشان خود را از جامعه جدا می‌بینند و در طلب پادداشتن مدیریت‌شان هستند. خود را جامعه جدا می‌بینند و در طلب پادداشتن مدیریت‌شان هستند. خود را از